



Res. article

Investigating the Information Structure and Syntactic Structure of Pre-posed Constituents in Persian Simple Sentences (Based on a Football Report)

Maryam Janbakhshi¹, Habib Gowhari^{2✉}, Akbar Azizifar³

1- Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 3- Assistant Professor, Department of Teaching English Language, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran.

Received: 2019/17/09

Accepted: 2020/07/01

Abstract

Language form is affected by many factors. This study is intended to investigate the information distribution in the simple Persian marked and unmarked structures. Information structure deals with how old (evoked) and new information are distributed in the sentences of a text. The present study is aimed at investigating the information structure of Pre-posed constituents of Persian simple sentences. Grammatical role and syntactic category of the pre-posed constituents were, also, investigated. To achieve the goals, a corpus including 226 simple sentences from a football match between Real Madrid and Juventus was investigated to analyze the information status of pre-posed constituents. The collected sentences were all simple (marked and unmarked) sentences. Prince (1992), Ward and Birner (2004) and Birner (2013) were referred to frequently as theoretical model of this study. After collecting the data, they were codified and analyzed employing SPSS software version 23. Findings revealed that most of the pre-posed constituents were old (evoked or inferential) in terms of discourse, while new in listeners' view. As far as grammatical role is concerned, indirect objects were found to be pre-posed more than other grammatical roles. Finally, in terms of syntactic categories, the pre-posed constituents were found to be mainly noun phrases and prepositional phrases.

Keywords: information structure, pre-posed constituent, discourse, listener, simple sentences.

Citation: Janbakhshi¹, M., Gowhari, H., Azizifar, A. (2020). Investigating the Information Structure and Syntactic Structure of Pre-posed Constituents in Persian Simple Sentences (Based on a Football Report). *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 19-38. (In Persian)





بررسی ساخت نحوی و ساخت اطلاع سازه‌های پیش‌اندشده در جملات ساده فارسی (با استناد به داده‌هایی از یک گزارش فوتبال)

مریم جانبخشی^۱، حبیب گوهری^۲، اکبر عزیزی‌فر^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۳- استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۶

چکیده

ساخت اطلاع، نحوه توزیع اطلاع کهنه (مفروض) و نو در جملات است که نقش مهمی در صورت‌بندی جملات دارد. در پژوهش حاضر، تأثیر وضعیت اطلاعی، نقش دستوری و مقوله نحوی سازه‌ها در پیش‌اندسازی آن‌ها بررسی شده است. برای تحقق این هدف، پیکره‌ای شامل (۲۲۶) جمله ساده (بی‌نشان و نشان‌دار) از گزارش فوتبال بررسی شد تا وضعیت اطلاعی، نقش دستوری و مقوله نحوی سازه‌های پیش‌اندشده مشخص شود. طبقه‌بندی پرینس (۱۹۹۲)، وارد و بیرنر (۲۰۰۴) و همچنین بیرنر (۲۰۱۳) برای طبقه‌بندی مصادیق سازه‌ها، از مصادیق کلامی به‌مثابه چارچوب نظری استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر وضعیت اطلاعی، بیشتر سازه‌های پیش‌اندشده در انواع جملات ساده فارسی به‌لحاظ کلامی کهنه هستند، هرچند که از منظر شنونده نو طبقه‌بندی می‌شوند. در نوشتار پیش رو هیچ مورد سازه پیش‌اندشده یافت نشد که از دیدگاه شنونده کهنه باشد. از نظر نقش دستوری، در همه انواع جملات نشان‌دار، سازه‌های بیان‌گر مفعول غیر مستقیم بیشتر از دیگر نقش‌های دستوری پیش‌اندشده هستند. از نظر مقوله نحوی سازه‌های پیش‌اندشده به‌طور عمده گروه اسمی هستند.

کلیدواژه‌ها: ساخت اطلاع، پیش‌اندسازی، کلام، شنونده، جملات ساده.

استناد: جانبخشی، مریم؛ گوهری، حبیب؛ عزیزی‌فر؛ اکبر (۱۳۹۹). بررسی ساخت نحوی و ساخت اطلاع سازه‌های پیش‌اندشده در جملات ساده فارسی (با استناد به داده‌هایی از یک گزارش فوتبال). *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۸ (۲۹)، ۱۹-۳۸.

۱- مقدمه

ساخت اطلاع، عبارت است از توزیع اطلاع کهنه و نو که می‌تواند در تولید متنی یکپارچه و منسجم نقش مهمی داشته باشد. وجود ارتباطات بین عناصر متن باعث ایجاد انسجام و سهولت در پردازش آن متن می‌شود. زبان‌ها از ابزارهای متنوعی بهره می‌گیرند تا ساخت اطلاع جمله را بازنمایی کنند. استفاده از ضمیر و نشانه‌های صرفی، بیان معرفگی برای اشاره به مصادیق آشنا و تشخیص‌پذیر روش‌های صرفی برای بازنمایی ساخت اطلاع هستند. آهنگ صدا و تکیه نیز ابزارهای زبانی دیگری هستند که گویشوران زبان به‌منظور اشاره به مصادیق آشنا یا ناآشنا از آن‌ها استفاده می‌کنند (گوهری، ۱۳۹۰؛ راسخ‌مهند، ۱۳۸۲؛ مدرسی، ۱۳۸۶). به‌همین ترتیب، نحو نیز ابزاری در دست گویشوران زبان برای بسته‌بندی اطلاع^۱ براساس نیازهای ارتباطی آن‌ها است (وارد و بیرنر^۲، ۲۰۰۴؛ بیرنر، ۲۰۱۳؛ وینکلر^۳، ۲۰۱۲).

هر زبان مجموعه‌ای از ساخت‌های نحوی بی‌نشان و نشان‌دار، مانند جملات مقلوب، وارونه، مجهول و مبتدایی دارد که سخن‌گویان زبان بنابر ملاحظات کلامی از جمله چگونگی توزیع اطلاع از بین آن‌ها ساخت به‌جا^۴ را به‌منظور تولید متنی روان و منسجم انتخاب می‌کنند؛ البته عوامل دیگری همچون وزن سازه^۵، جاننداری و معرفگی نیز هم در صورت‌بندی زبان نقش دارند. برای انطباق ساخت نحوی جمله با موقعیت کلامی و بافتی، گویشوران زبان ابزارهای نحوی متناسبی در اختیار دارند که می‌توانند با به‌کارگیری آن‌ها ساخت نحوی مناسب و به‌جا را به‌کار ببرند. پیش‌بندسازی^۶ و پس‌بندسازی^۷ دو ابزار زبانی مهم هستند که در جملات نشان‌دار نحوی از آن‌ها به تناسب بهره گرفته می‌شود. درمورد زبان فارسی، پژوهش‌های فراوانی درباره تأثیر وضعیت اطلاعی در جابه‌جایی سازه صورت گرفته‌اند که بیان همه آن‌ها خارج از قلمرو پژوهش حاضر است و تنها به‌طور خلاصه به چند اثر اشاره می‌شود.

بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۷: ۱۲۶) با مطالعه وارونگی در زبان فارسی بر نقش وضعیت اطلاعی سازه‌ها در جابه‌جایی آن‌ها تأکید می‌کنند. به‌باور آن‌ها سازه‌های پیش‌بندشده نسبت به سازه پس‌بندشده

-
1. information packaging
 2. G. Ward & B. J. Birner
 3. S. Winkler
 4. felicitous
 5. constituent weight
 6. Preposing
 7. Postposing

تشخیص‌پذیر^۱ تر هستند؛ همچنین بیرنر (۱۹۹۴) معتقد است در عناصر پیش‌ساز شده در زبان انگلیسی تمایل زیادی برای معرفگی وجود دارد؛ ولی در مورد عناصر پس‌ساز شده این تمایل دیده نمی‌شود. همین موضوع را شهیدی (۱۳۷۹) در جملات با سازه مبتدا شده^۲ در زبان فارسی تأکید کرده است. به نظر او، کمابیش هیچ‌گاه سازه مبتدایی شده حاوی اطلاع نو نیست.

شهیدی عنصر مبتدا شده را همیشه شنونده - کهنه می‌داند؛ همچنین راسخ‌مهند (۱۳۸۵) برای تبیین رابطه بین قلب نحوی و سازه‌های جابه‌جاشده بر نقش وضعیتی اطلاعی سازه‌ها تأکید کرده است. مدرسی (۱۳۸۶) و گوهری (۱۳۹۰) بر اساس چارچوب نظری لامبرکت (۱۳۹۶) ساخت جملات فارسی را بررسی کرده، بر نقش وضعیتی اطلاعی سازه‌ها در جابه‌جایی‌ها تأکید کرده‌اند. شفیع‌عی (۲۰۱۴) با مطالعه (۳۴) گفت‌وگو بین گویشوران زبان فارسی کوشیده است تا نقش دستوری و مقوله نقشی و همچنین وضعیتی اطلاعی سازه‌های پس‌ساز را در فارسی مشخص کند.

علائی و دیگران (۱۳۹۷: ۳۵) درباره چیدمان سازه‌ها، تبیینی پردازش محور ارائه می‌نمایند؛ به عبارت دیگر، سازه‌ها به ترتیبی چینش می‌شوند که پردازش زبانی را ساده کنند. با به‌کارگیری روش تجربی با مشارکت چهل آزمودنی، علائی و دیگران (۱۳۹۷) نتیجه گرفتند که در وزن دستوری سبک، هرگاه سازه هدف در جایگاه بی‌نشان باشد، سرعت زمان خوانش نسبت به شق نشان‌دار بیشتر است. برعکس، هرگاه وزن سازه بیشتر می‌شود و این موضوع منجر به حرکت پس‌افعلی شود، میانگین خوانش جمله کاهش می‌یابد؛ بنابراین، گرایش زبان فارسی در قراردادن سازه‌های سنگین در پایان جملات با انگیزش افزایش بهره‌وری پردازشی صورت می‌گیرد. همچنان‌که دیده می‌شود، در برخی مطالعات صورت گرفته تأکید روی وضعیتی اطلاعی سازه‌های پس‌ساز شده است، در حالی‌که برخی دیگر، در کنار وضعیتی اطلاعی به عوامل دیگر مانند وزن دستوری، طبقه فعل و ملاحظات پردازشی نیز توجه می‌کنند.

پرینس^۳ (۱۹۸۱) رویکردهای مختلف در اطلاع مفروض را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند. نخست، تعریفی از اطلاع مفروض را مطرح می‌کند که بر اساس میزان قابلیت باز یابی^۴ / قابلیت پیش‌بینی است. گوینده فرض می‌کند که عنصر زبانی ویژه در موقعیت خاصی برای شنونده قابل پیش‌بینی یا باز یابی است. رویکرد دوم بر اساس مفهوم تصویر ذهنی^۵ است. گوینده فرض می‌کند که شنونده هنگام ادای

1. identifiable
2. topicalized
3. E. F. Prince
4. recoverability
5. saliency

گفتار می‌تواند از آن شیء^۱ یا چیز^۲ در کانون هوشیاری^۳ خود تصویری تجسم نماید (پرینس، ۱۹۸۱: ۲۲۸).

براساس نظر پرینس (۱۹۸۱)، رویکرد سوم به اطلاع مفروض برپایه دانش مشترک^۴ است. گوینده فرض می‌کند که شنونده می‌تواند مصداق شیء یا چیز را تشخیص دهد یا استنباط کند (همان: ۲۳۰). در نهایت پرینس (۱۹۸۱) رویکردی پیوستاری را اتخاذ می‌کند که در یک‌سوی این پیوستار، مصادیق کاملاً تشخیص‌پذیر هستند و در دیگرسوی آن، مصادیق کاملاً نو هستند. همین مفاهیم با اندکی تغییر در پرینس (۱۹۹۲) نیز منعکس هستند. در اینجا، وی دو عامل کلام و شنونده را عوامل مؤثر در طبقه‌بندی اطلاع می‌داند. طبقه‌بندی جدید نیز امتیاز پیوستاری بودن دارد. از آنجاکه این دو عامل هرکدام می‌توانند کهنه یا نو باشند، بنابراین پرینس طبقه‌بندی چهارگانه را پیشنهاد می‌کند:

طبقه‌بندی اطلاع پرینس (۱۹۹۲) برگرفته از وارد و بیرنر (۲۰۱۳: ۵۹)

شنونده	شنونده - کهنه	شنونده - نو
کلام	برانگیخته	استنباطی
کلام - کهنه	استفاده‌نشده	نو

بیرنر (۲۰۱۳) با توجه به مفهوم درجه‌پذیری اطلاع و با در نظر گرفتن دو عنصر کلام و شنونده، برای حالت‌های مختلف اطلاعی حداقل چهار احتمال را پیش‌بینی می‌کند، که عبارت‌اند از:

۱- اطلاع شنونده - کهنه^۵ و کلامی - کهنه^۶

۲- اطلاع شنونده - کهنه و کلامی - نو^۷

۳- اطلاع شنونده - نو^۸ و کلامی - نو

۴- اطلاع شنونده - نو و کلامی - کهنه

به‌باور بیرنر در زبان‌های طبیعی حالت (۴) ناممکن است. چون اطلاعی که در کلام برانگیخته باشد، امکان ندارد برای شنونده نو باشد. وارد و بیرنر (۲۰۰۴) دو نقش عمده را برای ساخت‌های نحوی

1. entity
2. thing
3. consciousness
4. shared knowledge
5. hearer-old
6. discourse-old
7. discourse-new
8. hearer-new

(بی‌نشان و نشان‌دار) قائل هستند: نخست، نشان‌دادن وضعیّت اطلاعی سازه‌ها و دوم کمک به تسهیل در پردازش گزاره با قراردادن اطلاع کهنه پیش از اطلاع نو. انتخاب از میان چندین جمله با معنای گزاره‌ای (تحلیلی)^۱ یکسان با انگیزش‌های^۲ رقیب کلامی و نقشی مانند نحوه توزیع اطلاع صورت می‌گیرد. یکی از ملاحظاتی که گویشوران زبان به آن توجه دارند این است که در هر موقعیتی ساختی را انتخاب کنند که با فرضیات آن‌ها درباره میزان تشخیص‌پذیری مصادیق در ذهن مخاطب متناسب است.

در پژوهش حاضر، تنها سازه‌های پیش‌بیندسازی شده از منظر وضعیّت اطلاعی، مقوله نحوی و نقش دستوری مطالعه خواهد شد. در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت ساخت اطلاع، با اتخاذ رویکردی توصیف‌گرایانه به دنبال توصیف وضعیّت اطلاعی سازه‌های پیش‌بیندشده در پیکره زبانی ویژه‌ای (گزارش فوتبال) هستیم. در نوشتار پیش رو، چارچوب و دسته‌بندی پرینس (۱۹۹۲)، وارد و بیرنر (۲۰۰۴)، و بیرنر (۲۰۱۳) مبنای تحلیل داده‌ها قرار گرفته است.

۲- روش‌شناسی پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر چگونگی توزیع اطلاع بر سازه‌های پیش‌بیندشده و تعیین وضعیّت اطلاعی آن‌ها در زبان فارسی گفتاری است. برای این منظور، تعداد (۲۲۶) جمله از گزارش مسابقه فوتبال بین تیم‌های رئال مادرید و یوونتوس^۳ برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند تا معلوم شود که در فارسی گفتاری تا چه میزان ساخت‌های نحوی مختلف و فرایندهایی مانند پیش‌بیندسازی از نحوه توزیع اطلاع متأثر است. در مورد حجم نمونه باید گفت که تمام (۲۲۶) جمله بررسی شده همگی از یک گزارش زنده نود دقیقه‌ای فوتبال به وسیله گزارش‌گر فارسی‌زبانی گرفته

1. Propositional (analytic)

2. motivations

۳- به منظور تعیین وضعیّت اطلاعی جملات، پژوهش‌گر نیاز دارد که بافت کلی (غیر) زبانی را به صورت دقیق در نظر داشته باشد تا بتواند تشخیص کمابیش درستی از وضعیّت اطلاعی مصداق یک سازه داشته باشد. برای تشخیص وضعیّت اطلاعی سازه‌ها که بزرگ‌ترین چالش پژوهش حاضر بوده است، پژوهش‌گر مجبور بود چندین بار جمله را بخواند و ارتباط آن را با جملات قبلی و بعدی و همچنین بافت غیر زبانی بفهمد تا به تمامی عوامل موقعیتی و کلامی توجه کرده باشند. در بسیاری از جملات، براساس چارچوب نظری پرینس (۱۹۹۲) و همچنین صورت اصلاح‌شده آن در وارد و بیرنر (۲۰۰۴) و بیرنر (۲۰۱۳) پژوهش‌گر از استنباط و استنتاج برای تشخیص نوع مصداق و وضعیّت اطلاعی سازه‌ها بهره برده است. با وجود این، آنچه اتفاق افتاده فقط تشخیصی از سوی پژوهش‌گر بوده است و ممکن است در مواردی دچار خطا هم شده باشد. وی در مواردی که تردید بوده است، از راهنمایی همکاران و اساتید بهره برده و گاهی مجبور شده است که مبانی نظری را دوباره مرور کند تا از تشخیص خود اطمینان حاصل کند.

شده‌اند.

جملات انتخاب‌شده همگی ساده (بی‌نشان و نشان‌دار) هستند و با توجه به وجود جملات غیر ساده، این جملات به صورت متوالی نبوده‌اند. جملات پیچیده، مصدری، اسنادی، شبه‌اسنادی، محذوف، متممی و درونه‌گیری شده خارج از قلمرو این پژوهش هستند؛ همچنین جملاتی که به رویدادهای داخل زمین مربوط نیستند (برای مثال در مورد زندگی شخصی یک بازیکن بوده‌اند) و به عبارتی رویدادمحور نبوده‌اند؛ در نمونه حاضر بررسی نشده‌اند؛ البته برای تشخیص وضعیّت اطلاعی سازه‌ها به معنی همه جملات (هم بررسی شده و هم بررسی نشده) توجه شده است؛ زیرا تعیین وضعیّت کلامی و اطلاعی مصداق یک سازه، بدون توجه به تمام نشانه‌های موقعیتی امکان‌پذیر نخواهد بود. جملات یا معلوم هستند یا غیر معلوم.

جملات غیر معلوم بررسی شده در پژوهش حاضر عبارت‌اند از مجهول، مقلوب، وارونه، مبتدایی و جملاتی که در آن‌ها شاهد خروج یک گروه اسمی به سمت چپ (براساس خط انگلیسی) هستیم. براساس این، جملات معلوم بی‌نشان و بقیه نشان‌دار هستند. چون در جملات معلوم شاهد جابه‌جایی سازه‌ها نیستیم؛ بنابراین در نوشتار پیش رو به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. از طرف دیگر، همه ساخت‌های نشان‌دار نیز به پیش‌اندسازی منجر نمی‌شوند. براساس این، تنها فرایندهایی که منجر به پیش‌اندسازی می‌شوند، مانند مجهول‌سازی، قلب، وارونگی و خروج به چپ در پژوهش حاضر تحلیل می‌شوند، اگرچه اطلاعات آماری مربوط به تمام جملات بررسی شده در پیکره زبانی جستار پیش رو ارائه می‌شود. پیش‌اندسازی به مثابه سازوکاری برای بسته‌بندی و توزیع اطلاع بسیار مهم است.

تعیین مقوله نحوی سازه پیش‌اندشده و همچنین تعیین وضعیّت اطلاعی آن، دو موضوع دیگر هستند که در پژوهش حاضر به آن‌ها پرداخته شده است؛ افزون بر این، در جملاتی که بیش از یک گروه اسمی وجود دارد، موضوع بعدی تعیین توالی این دو سازه است، کدام سازه با چه میزان تشخیص‌پذیری، در ابتدای جمله آمده است. اگر اطلاع نو پیش از اطلاع کهنه نیامده باشد، حالت ساخت اطلاع بی‌نشان طبقه‌بندی می‌شود و اگر شاهد توالی اطلاع نو + اطلاع کهنه باشیم، آن حالت را ساخت اطلاع نشان‌دار طبقه‌بندی کرده‌ایم. پس از تعیین وضعیّت جملات مورد بررسی براساس متغیرهای پیش‌گفته، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.^۱ با دقت تحلیل شد. ابتدا، هر کدام از متغیرهای پیش‌گفته تعریف شده، سپس داده‌ها کدگذاری و وارد سامانه شدند. این نرم‌افزار اجازه می‌دهد رابطه تمام متغیرهای

یادشده (در صورت نیاز) با همدیگر ارزیابی شوند.

۳- تحلیل داده‌ها

این قسمت به چهار بخش تقسیم شده است. نخست، نمونه‌ای از جملات بررسی شده در پیکره زبانی مورد مطالعه ارائه می‌شود تا مخاطب در جریان انواع جملات بررسی شده قرار گیرد. در قسمت دوم این بخش، یافته‌های کلی در مورد ساخت اطلاع و صورت‌بندی نحوی جملات بررسی شده ارائه می‌شود؛ سپس، یافته‌های اصلی پژوهش در مورد فرایند پیش‌سازسازی ارائه شده است و در قسمت پایانی یافته‌های جانبی درباره پیش‌سازسازی ارائه می‌شود.

۳-۱- نمونه‌ای از جملات بررسی شده

جملات بررسی شده در پژوهش حاضر عبارت‌اند از جملات مجهول، مقلوب، وارونه، مبتدایی شده و جملاتی که در آن‌ها شاهد خروج یک گروه اسمی به سمت چپ هستیم؛ چون در جملات معلوم شاهد جابه‌جایی سازه‌ها نیستیم، بنابراین در نوشتار پیش رو به آن‌ها پرداخته نمی‌شود و تنها فرایندهایی که به پیش‌سازسازی منجر می‌شوند؛ مانند مجهول‌سازی، مبتدایی، قلب، وارونگی و خروج به چپ تحلیل می‌شوند. در نمونه‌های زیر ابتدا جملاتی که سازه پیش‌سازسازی شده دارند ارائه شده و سپس در داخل پرانتز معادل بی‌نشان آن‌ها بیان شده است.

(۱) اولین حرکت رو بازیکنان یوونتوس انجام می‌دهند. (بازیکنان یوونتوس اولین حرکت رو انجام می‌دهند.)

(۲) خطا به نفع تیم رئال گرفته شد. (داور به نفع تیم رئال خطا گرفت.)

(۳) ارتباط رو بازیکنای رئال قطع می‌کنند. (بازیکنای رئال ارتباط رو قطع می‌کنند.)

(۴) بازی رو ناواس باید شروع کنه. (ناواس باید بازی رو شروع کنه.)

(۵) بدون خطا توپ به بیرون می‌ره. (توپ بدون خطا به بیرون می‌ره.)

(۶) گوشه زمین کار گره خورده. (کار، گوشه زمین گره خورده.)

(۷) هند کریم بنزما اعلام می‌شه. (داور هند کریم بنزما رو اعلام می‌کنه.)

(۸) هندش گرفته شد. (داور هندش رو گرفت.)

(۹) بازی رو بوفون باید شروع کنه. (بوفون باید بازی رو شروع کنه.)

(۱۰) در سمت راست تصویر تیم رئال هست. (تیم رئال در سمت راست تصویر هست.)

- (۱۱) در سمت چپ تصویر تیم یوونتوس قرار گرفته. (تیم یوونتوس در سمت چپ تصویر قرار گرفته.)
 (۱۲) پشت دروازه یوونتوس طرفداران رئال هستند. (طرفداران رئال پشت دروازه یوونتوس هستند.)
 (۱۳) پشت دروازه رئال طرفداران یوونتوس هستند. (طرفداران یوونتوس پشت دروازه رئال هستند.)
 (۱۴) سرخیو راموس، داور خطاش و گرفت. (داور خطای سرخیو راموس و گرفت.)
 (۱۵) گرت بیل، داور بهش کارت زرد نشون میده. (داور به گرت بیل کارت زرد نشون میده.)
 (۱۶) سامی خدیوا، شاید مربی تعویضش کنه. (شاید مربی، سامی خدیوا رو تعویض کنه.)
 (۱۷) برای کارواخال، ناواس توپ رو بلند می فرسته. (ناواس توپ رو بلند برای کارواخال می فرسته.)

جملات (۱)، (۳)، (۴) و (۹) همگی جملات مبتدایی هستند که در آن‌ها پیشایندسازی مفعول دیده می‌شود. جملات (۲)، (۷) و (۸) نمونه‌هایی از جملات مجهول هستند که در آن‌ها پیشایندسازی مفعول به‌چشم می‌خورد. جملات (۵)، (۶) و (۱۷) نمونه‌هایی از جملات مقلوب هستند. در جملات (۵) و (۱۷) پیشایندسازی گروه حرف اضافه‌ای رخ داده است و در جمله (۶) پیشایندسازی گروه قیدی مشاهده می‌شود. جملات (۱۰)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) جملات وارونه هستند که در آن‌ها پیشایندسازی عبارت حرف اضافه‌ای دیده می‌شود. در جملات (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) فرایند خروج به‌چپ (براساس خط انگلیسی) رخ داده است و موسوم به جملات خروج به‌چپ هستند. در جمله‌های (۱۵) و (۱۶) گروه اسمی پیشایندسازی شده است و در جمله (۱۷) گروه حرف اضافه‌ای پیشایندسازی شده است.

۳-۲- بررسی ساخت اطلاع در پیکره زبانی مورد بررسی

در پیکره زبانی انتخاب‌شده، در مجموع (۲۲۶) جمله بررسی شد. نمودار (۱) توزیع فراوانی هر کدام از انواع جملات را نشان می‌دهد.



نمودار (۱). توزیع فراوانی انواع جملات بررسی‌شده

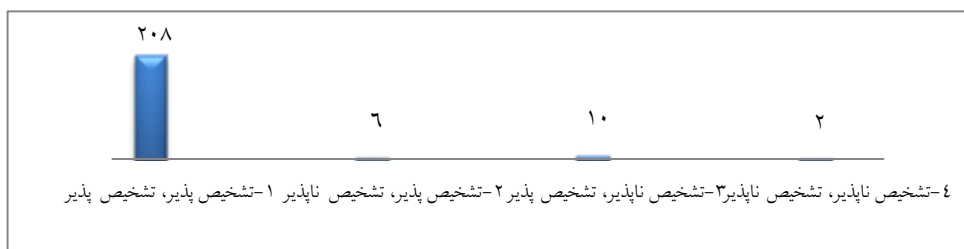
بر اساس این نمودار، بیشترین فراوانی مربوط به جملات مقلوب و معلوم است. از مجموع (۲۲۶) جمله مورد بررسی، جملات مقلوب و معلوم به ترتیب (۴۳/۴٪) و (۲۴/۸٪) را به خود اختصاص داده‌اند. دیگر جملات مورد بررسی عبارت‌اند از جملات مجهول، وارونه، مبتدایی و همچنین جملاتی که در آن‌ها خروج گروه اسمی به چپ یا راست دیده می‌شود. اینکه جملات نشان‌دار نحوی از جملات بی‌نشان بیشتر بوده‌اند، قدری تأمل برانگیز است؛ زیرا جملات بی‌نشان به طور معمول نسبت به جملات نشان‌دار، از فراوانی بیشتری برخوردارند، برای مثال منشی‌زاده و گوهری (۱۳۹۲: ۱۶۹) در مطالعه‌ای پیکره‌محور که (۵۵۷) جمله را در متون روایی بررسی کرده بودند، بیشتر جملات (۸۱٪) از نظر نحوی بی‌نشان بودند.

دبیرمقدم (۱۳۹۲ به نقل از فرامر، ۱۹۸۱) نشان می‌دهد که فراوانی ساخت‌های نشان‌دار در پیکره‌های مورد بررسی خیلی کمتر از جملات بی‌نشان است. در دو مطالعه پیش‌گفته همانند پژوهش حاضر، تأکید روی جنبه‌های محاوره‌ای و گفتاری زبان است، اما نتایج پژوهش حاضر با دو مطالعه یادشده هم‌راستا نیست. نویسنده حاضر برای این موضوع دو دلیل ارائه می‌کند تا علت روشن شود. نخست، داده‌های پژوهش حاضر متعلق به گزارش ورزشی هستند که سبک خاصی از زبان است. در این سبک، تمرکز گزارش‌گر روی رویدادی است که می‌بیند. هر رویدادی را که می‌بیند باید آن را برجسته کند؛ به عبارت دیگر، جملات در گزارش ورزشی فردمحور نیستند که گوینده فاعل و مفعول و دیگر ارکان جمله را با همان توالی بی‌نشان بیان کند؛ بلکه رویدادمحور هستند.

باید دید که در آن لحظه تمرکز دوربین و بینندگان روی چه رویدادی / چیزی است و بی‌درنگ آن را بیان کند. آن چیز لزوماً نهاد جمله نیست، شاید توپ، دروازه، یک تکل خشن، حرکتی خاص و... باشد. به‌باور نگارندگان دلیل دوم این است که در پیکره مورد بررسی، همه جملات انتخاب نشدند. جملات مرکب، پیچیده، مصدری و محذوف از دامنه تحلیل کنار گذاشته شدند؛ از دیگر سو، سعی شده است جملاتی انتخاب شوند که از منظر نظریه ساخت اطلاع اهمیت بیشتری داشته باشند. جملاتی که تنها برای توزیع مناسب اطلاع ساخته می‌شوند و از این لحاظ به قول چیف^۱ (۱۹۷۶) نقش بسته‌بندی اطلاعی دارند. نقش جملات نشان‌دار نحوی (دارای سازه‌های پس‌ساز شده یا پیش‌ساز شده) در توزیع اطلاع برجسته‌تر است، هر چند منظور این نیست که جملات معلوم این نقش را ندارند.

موضوع دیگری که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، مشخص کردن میزان تشخیص‌پذیری

سازه‌های درون جمله و توالی آن‌ها نسبت به هم است. نمودار (۲) بیان‌گر توالی تشخیص‌پذیری سازه‌های جملات مورد بررسی است.



نمودار (۲). توزیع فراوانی سازه‌ها براساس توالی تشخیص‌پذیری در جملات

این آمار نشان می‌دهد که از مجموع (۲۲۶) جمله مورد بررسی، جملاتی که دو سازه اصلی آن‌ها تشخیص‌پذیر قلمداد شده‌اند، (۹۲٪) از کل داده‌ها را تشکیل داده‌اند. مبنای تشخیص‌پذیری، برانگیختگی کلامی و قابل دسترس بودن مصداق برای شنونده بوده است. این مبنای پیرینس (۱۹۹۲) گرفته شده است؛ بنابراین، اگر مصداقی از لحاظ کلامی یا شنونده کهنه باشد (نه لزوماً هر دو)، تشخیص‌پذیر قلمداد می‌شود و اگر از لحاظ کلامی و شنونده نو باشد، تشخیص‌ناپذیر طبقه‌بندی شده است. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد براساس رویکرد پیرینس، چهار حالت ممکن است. از این چهار حالت، حالت‌های اول، دوم و چهارم (نمودار ۲) اصل بی‌نشانی اطلاعاتی را حفظ کرده‌اند؛ به عبارتی، در دو حالت نخست، اطلاع تشخیص‌پذیر پیش از اطلاع تشخیص‌ناپذیر قرار گرفته است.

در حالت چهارم هم توالی اطلاع تشخیص‌ناپذیر + تشخیص‌ناپذیر دیده می‌شود که این هم نافی اصل بی‌نشانی اطلاعاتی نیست. فقط در حالت سوم است که سازه حاوی اطلاع تشخیص‌ناپذیر در برخی جملات پیش از سازه‌ای قرار گرفته است که به لحاظ کلامی یا از منظر شنونده تشخیص‌پذیر بوده است. در اینجا شاهد تولید جمله‌هایی هستیم که از لحاظ اطلاعاتی نشان‌دار تلقی می‌شوند. نتایج به‌دست‌آمده درباره توالی تشخیص‌پذیری در پژوهش حاضر با نتایج دیگر پژوهش‌گران در این باره هم‌سو است (بیرنر، ۱۹۹۴؛ بیرنر و ماهوتیان، ۱۹۹۷؛ شهیدی، ۱۳۷۹؛ راسخ‌مهند، ۱۳۸۵؛ مدرسی، ۱۳۸۶؛ منشی‌زاده و گوهری، ۱۳۹۲).

هر کدام از این پژوهش‌ها تنها روی یک ساخت نحوی مانند جملات وارونه، مقلوب، یا مبتدایی و... متمرکز بوده‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر توالی تشخیص‌پذیری در تمام انواع جملات ساده بررسی شده است و یک تبیین برای این جملات ارائه شده است. در نمودار (۲)، توالی تشخیص‌پذیری

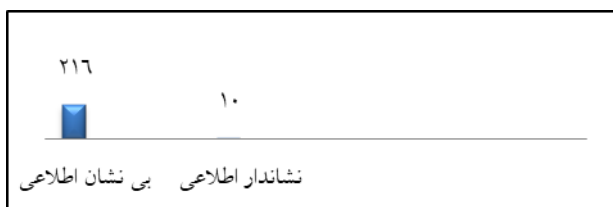
به صورت کلی در پیکره مورد مطالعه دیده شد. اکنون می‌خواهیم توالی تشخیص‌پذیری مصادیق سازه‌ها را به تفکیک جملات مختلف بررسی کنیم. پرسش مطرح این است که آیا در ساخت‌های نحوی نشان‌دار مانند مقلوب و مجهول نیز شاهد توالی بی‌نشان اطلاع هستیم. جدول (۱) توالی تشخیص‌پذیری مصادیق سازه‌ها را در جملات مختلف بررسی شده نشان می‌دهد.

جدول (۱). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها براساس توالی تشخیص‌پذیری سازه‌ها و ساخت جملات

مجموع	توالی تشخیص‌پذیری سازه‌ها در هر جمله				فراوانی / درصد	ساخت جملات
	تشخیص‌ناپذیر - تشخیص‌ناپذیر	تشخیص‌ناپذیر - تشخیص‌پذیر	تشخیص‌پذیر - تشخیص‌ناپذیر	تشخیص‌پذیر - تشخیص‌پذیر		
۵۶	۲	۲	۴	۴۸	فراوانی	معلوم
%۲۴/۸	%۰/۹	%۰/۹	%۱/۸	%۲۱/۲	درصد	
۱۶	۰	۲	۰	۱۴	فراوانی	مجهول
%۷/۱	%۰	%۰/۹	%۰	%۶/۲	درصد	
۹۸	۰	۶	۰	۹۲	فراوانی	مقلوب
%۴۳/۴	%۰	%۲/۷	%۰	%۴۰/۷	درصد	
۱۸	۰	۰	۰	۱۸	فراوانی	وارونه
%۸	%۰	%۰	%۰	%۸	درصد	
۸	۰	۰	۰	۸	فراوانی	مبتدایی
%۳/۵	%۰	%۰	%۰	%۳/۵	درصد	
۱۴	۰	۰	۲	۱۲	فراوانی	خروج به چپ
%۶/۲	%۰	%۰	%۰/۹	%۵/۳	درصد	
۱۶	۰	۰	۰	۲۲	فراوانی	خروج به راست
%۷/۱	%۰	%۰	%۰	%۷/۱	درصد	
۲۲۶	۲	۱۰	۶	۲۰۸	فراوانی	مجموع
%۱۰۰	%۰/۹	%۴/۴	%۲/۷	%۹۲	درصد	

جدول بالا نشان می‌دهد که جملات مقلوب و معلوم بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در جملات مبتدایی، وارونه و خروج به چپ، تمامی موارد جمع‌آوری شده از توالی بی‌نشان تشخیص‌پذیر + تشخیص‌پذیر پیروی کرده‌اند؛ به بیان دیگر، در تمامی این جملات، سازه جابه‌جا شده بر اثر فرایندهایی مانند وارونگی، مجهول‌سازی و مبتداسازی حاوی اطلاع تشخیص‌پذیر هستند و هیچ جابه‌جایی در این جملات سازه‌هایی که مصداق آن‌ها نو باشد را به جایگاه آغازین جمله منتقل نکرده

است. از این منظر، نتایج پژوهش حاضر با بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۷) و بیرنر (۱۹۹۴) هم‌سویی دارد. هرچند که در این دو پژوهش، فقط ساخت وارونه بررسی شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ساخت‌های مختلف نحوی امکان بسته‌بندی اطلاع را براساس نیازهای ارتباطی گویشوران زبان ممکن می‌سازند. از جمله موضوعات دیگری که در جریان بررسی پیکره موجود به آن پرداخته شد، بررسی فراوانی به تفکیک نشان‌داری/ بی‌نشانی اطلاعی بود. نمودار (۳) توزیع فراوانی جملات بررسی‌شده را به تفکیک نشان‌داری/ بی‌نشانی نشان می‌دهد.



نمودار (۳). توزیع فراوانی جملات بررسی‌شده به تفکیک نشان‌داری/ بی‌نشانی اطلاع

نمودار بالا نشان می‌دهد که از مجموع (۲۲۶) جمله مورد بررسی، در (۹۳/۸٪) موارد، شاهد تولید جملاتی بوده‌ایم که در آن‌ها سازه‌های آشناتر پیش از سازه‌های ناآشنا قرار گرفته‌اند. آمار دقیق در جدول (۱) ارائه شد. در این ارتباط، باید خاطر نشان کرد که نشان‌داری اطلاعی از نشان‌داری نحوی متفاوت است. در جملات معلوم که از نظر نحوی بی‌نشان هستند، نمونه‌هایی دیده می‌شوند که از لحاظ اطلاعی نشان‌دار هستند (۲ مورد) و به‌عکس در جملات مقلوب که از دیدگاه نحوی نشان‌دار هستند، بیشتر جملات از نظر اطلاعی بی‌نشان هستند (۹۲ مورد از مجموع ۹۸). در جملات وارونه، مبتدایی و جملات موسوم به خروج (چپ و راست) که همگی از نظر نحوی نشان‌دار هستند، حتی در یک مورد شاهد ساخت اطلاعی نشان‌دار نیستیم.

نکته مهم این است که جملات مقلوب، وارونه، مبتدایی و... که همگی از منظر نحوی نشان‌دار هستند، از نظر ساخت اطلاعی بی‌نشان هستند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع طبیعی اطلاع به‌صورت بی‌نشان، اولویت نخست سخنگویان زبان است. ساخت‌های نحوی نشان‌دار همانند ابزاری در دست سخنگویان زبان به‌منظور توزیع مناسب ساخت اطلاع هستند. این دستاورد با نتایج پژوهش‌های دیگر زبان‌شناسان هم‌سو است. وارد و بیرنر (۲۰۰۴) فرایندهایی همچون پیش‌اندسازی و پس‌اندسازی و همچنین جملاتی که در آن‌ها شاهد خروج سازه‌ها به سمت چپ و راست هستیم را ابزارهایی در راستای قراردادن اطلاع برانگیخته (کهنه) پیش از اطلاع نو می‌دانند. آن‌ها معتقدند که سازه‌های پیش‌اندسازی

حاوی اطلاع کهنه هستند که گاهی به صورت آشکار به کلام قبلی قابل ارجاع است و گاهی هم این ارتباط به صورت اشاره‌ای و غیر مستقیم است که مخاطب باید در بافت استنباط کند (وارد و بیرنر، ۲۰۰۴: ۱۶۲).

۳-۳- ساخت اطلاع و پیشاندسازی

موضوع دیگری که در بررسی پیکره زبانی پژوهش حاضر مطالعه شد، نوع جابه‌جایی سازه‌ها بود. در جمله‌هایی که از لحاظ نحوی نشان‌دار هستند، همان‌گونه که اشاره شد، شاهد فرایندهایی هستیم که سازه‌ها را پیشایند یا پسایند می‌کنند. فرایندهای مبتداسازی، خروج به چپ و وارونگی منجر به پیشاندسازی سازه‌ها از جایگاه اصلی خود می‌شوند. فرایند خروج به راست نیز باعث می‌شود که یکی از ارکان جمله (ظرفیت‌ها) از جای اصلی خود به جایگاه پس از فعل منتقل شود. درنهایت، فرایندهایی همچون قلب و مجهول‌سازی هم‌زمان ممکن است هم سازه‌ای را به جایگاه آغازین جمله منتقل کنند و هم ممکن است برخی از اجزای جمله را به پس از فعل منتقل نمایند. نمودار (۴) توزیع فراوانی داده‌ها را به تفکیک نوع حرکت نشان می‌دهد.



نمودار (۴). توزیع فراوانی داده‌ها به تفکیک نوع حرکت سازه‌ها

نمودار (۴) نشان داد که در مطالعه حاضر از مجموع (۲۲۶) جمله مورد بررسی، سازه‌های پسایند شده (۳۹/۸٪) کل داده‌ها را تشکیل داده‌اند که از سازه‌های پیشایند شده (۲۹/۲٪) بیشتر هستند؛ همچنین، در (۱۶) جمله (۷/۱٪) هم‌زمان شاهد پیشاندسازی و پسایندسازی بوده‌ایم. در (۲۳/۹٪) از جملات بررسی شده، هیچ‌کدام از این دو فرایند رخ نداده‌اند. براساس این، در مجموع در (۴۶/۹٪) از جملات شاهد پیشاندسازی سازه‌ها بوده‌ایم. در اینجا ابتدا فراوانی سازه‌های پسایند شده در جملات مختلف براساس نقش دستوری آن‌ها بررسی می‌شوند. جدول (۲) نقش دستوری سازه‌های پیشایند شده را به تفکیک نوع جملات آورده است.

جدول (۲). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها براساس نقش دستوری سازه پیشنهادشده و ساخت جملات

مجموع	نقش دستوری سازه پیشنهادشده					فراوانی / درصد	ساخت جملات
	قیدی	مسند	مفعول غیر مستقیم / مفعول حرف اضافه	مفعول مستقیم	فاعل		
۸	۰	۰	۰	۴	۴	فراوانی	مجهول
%۱۹/۵	%۰	%۰	%۰	%۹/۸	%۹/۸	درصد	
۱۱	۱	۰	۶	۳	۱	فراوانی	مقلوب
%۲۶/۸	%۲/۴	%۰	%۱۴/۶	%۷/۳	%۲/۴	درصد	
۹	۰	۱	۸	۰	۰	فراوانی	وارونه
%۲۲	%۰	%۲/۴	%۱۹/۵	%۰	%۰	درصد	
۴	۰	۰	۰	۴	۰	فراوانی	مبتدایی
%۹/۸	%۰	%۰	%۰	%۹/۸	%۰	درصد	
۸	۰	۰	۲	۲	۴	فراوانی	خروج به چپ
%۱۹/۲	%۰	%۰	%۴/۹	%۴/۹	%۹/۸	درصد	
۱	۰	۰	۱	۰	۰	فراوانی	خروج به راست
%۲/۴	%۰	%۰	%۲/۴	%۰	%۰	درصد	
۴۱	۱	۱	۱۷	۱۲	۱۰	فراوانی	مجموع
%۱۰۰	%۲/۴	%۲/۴	%۴۱/۵	%۲۹/۳	%۲۴/۴	درصد	

در جملات وارونه، در بیشتر مواقع (۱۶ مورد) شاهد پیشایندسازی مفعول غیر مستقیم همراه با پیش‌اضافه آن به آغاز جمله هستیم. در دو مورد هم مسند پیشایندشده است. در ساخت موسوم به خروج، در پیکره حاضر، (۱۶) مورد از این ساخت‌ها دیده می‌شوند که در (۸) مورد فاعل پیشایندشده و به وسیله ضمیر (ضمیر محذوف) جایگزین شده است. در سایر موارد نیز مفعول مستقیم و غیر مستقیم جای خود را به ضمیر داده، به صورت پیشایندشده ظاهر شده‌اند.

در پژوهش حاضر، پس از بررسی نقش دستوری سازه‌های پیشایندشده، مقوله نحوی این سازه‌ها به تفکیک انواع جملات در جدول (۳) ارائه می‌شود:

جدول (۳). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها براساس مقوله نحوی سازه پیشنهادشده و ساخت جملات

مجموع	مقوله نحوی سازه پیشنهادشده			فراوانی / درصد	ساخت جملات
	گروه قیدی	گروه حرف اضافه‌ای	گروه اسمی		
۴	۱	۳	۰	فراوانی	معلوم
%۹/۸	%۲/۴	%۷/۳	%۰	درصد	
۸	۰	۰	۸	فراوانی	مجهول
%۱۹/۵	%۰	%۰	%۱۹/۵	درصد	

ادامه جدول (۳).

مجموع	مقوله نحوی سازه پیش‌اندشده			فراوانی / درصد	ساخت جملات
	گروه قیدی	گروه حرف اضافه‌ای	گروه اسمی		
۱۱	۰	۷	۴	فراوانی	مقلوب
%۲۶/۸	%۰	%۱۷/۱	%۹/۸	درصد	
۵	۰	۴	۱	فراوانی	وارونه
%۱۲/۲	%۰	%۹/۸	%۲/۴	درصد	
۴	۰	۰	۴	فراوانی	مبتدایی
%۹/۸	%۰	%۰	%۹/۸	درصد	
۷	۰	۰	۷	فراوانی	خروج به چپ
%۱۷/۱	%۰	%۰	%۱۷/۱	درصد	
۲	۰	۰	۲	فراوانی	خروج به راست
%۴/۹	%۰	%۰	%۴/۹	درصد	
۴۱	۱	۱۴	۲۶	فراوانی	مجموع
%۱۰۰	%۲/۴	%۳۴/۱	%۶۳/۴	درصد	

نتایج بالا نشان می‌دهد که به ترتیب جملات مقلوب، مجهول، خروج به چپ و وارونه (%۲۶/۸)، %۱۹/۵، %۱۷/۱ و %۱۲/۲ بیشترین تکرار پیش‌اندسازی را در پیکره مورد بررسی به خود اختصاص داده‌اند. این ساخت‌ها همان ساخت‌هایی هستند که منجر به حرکت سازه‌هایی به جایگاه آغازین می‌شوند. از نظر مقوله نحوی، گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. پس از بررسی نقش دستوری و مقوله نحوی سازه‌های پیش‌اندشده، اکنون وضعیت اطلاعی این سازه‌ها در جملات مختلف بررسی می‌شود.

جدول (۴). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها براساس وضعیت اطلاعی سازه پیش‌اندشده و ساخت جملات

مجموع	وضعیت اطلاعی سازه پیش‌اندشده				فراوانی / درصد	ساخت جملات
	کلام نو - شنونده نو	کلام نو - شنونده کهنه	کلام کهنه - شنونده نو	کلام کهنه - شنونده کهنه		
۲	۱	۰	۱	---	فراوانی	معلوم
%۴/۸	%۲/۴	%۰	%۲/۴	---	درصد	
۸	۱	۱	۶	---	فراوانی	مجهول
%۱۹	%۲/۴	%۲/۴	%۱۴/۳	---	درصد	
۱۱	۲	۲	۷	---	فراوانی	مقلوب
%۲۶/۲	%۴/۸	%۴/۸	%۱۶/۷	---	درصد	
۹	۰	۱	۸	---	فراوانی	وارونه
%۲۱/۴	%۰	%۲/۴	%۱۹	---	درصد	

ادامه جدول (۴).

مجموع	وضعیت اطلاعاتی سازه پیشنهادشده				فراوانی / درصد	ساخت جملات
	کلام نو - شنونده نو	کلام نو - شنونده کهنه	کلام کهنه - شنونده نو	کلام کهنه - شنونده کهنه		
۴	۰	۱	۳	---	فراوانی	مبتدایی
%۹/۵	%۰	%۲/۴	%۷/۱	---	درصد	
۷	۰	۰	۷	---	فراوانی	خروج به چپ
%۱۶/۷	%۰	%۰	%۱۶/۷	---	درصد	
۱	۰	۰	۱	---	فراوانی	خروج به راست
%۲/۴	%۰	%۰	%۲/۴	---	درصد	
۴۲	۴	۵	۳۳	---	فراوانی	مجموع
%۱۰۰	%۹/۵	%۱۱/۹	%۷۸/۶	---	درصد	

از مجموع (۸۴) سازه پیشنهادشده در تمامی انواع جملات، نتایج به دست آمده بالا نشان می‌دهد که در (%۷۸/۶) موارد بررسی شده، سازه پیشنهادشده از لحاظ کلامی کهنه بوده است، هر چند در گزاره‌های مورد استفاده برای مخاطب نو هستند. در پیکره مورد بررسی، حتی یک مورد سازه پیشنهادشده یافت نشده که از منظر شنونده کهنه باشد. در (%۲۱/۴) موارد هم سازه پیشنهادشده از منظر کلامی حاوی اطلاع نو بوده است.

۳-۴- یافته‌های دیگر پژوهش

تاکنون، نقش دستوری، مقوله نحوی و وضعیت اطلاعاتی سازه‌های پیشنهادشده در انواع جملات به‌طور جداگانه بررسی شده‌اند. اکنون، مقوله نحوی و وضعیت اطلاعاتی آن‌ها به صورت هم‌زمان بررسی می‌شود. جدول (۵) هم‌زمان مقوله نحوی و وضعیت اطلاعاتی سازه‌های پیشنهادشده را نشان می‌دهد.

جدول (۵). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها بر اساس وضعیت اطلاعاتی سازه پیشنهادشده و مقوله نحوی سازه پیشنهادشده

مجموع	مقوله نحوی پیشنهادشده			فراوانی / درصد	وضعیت اطلاعاتی سازه پیشنهادشده
	گروه قیدی	گروه حرف اضافه‌ای	گروه اسمی		
۲۶	۰	۶	۲۰	فراوانی	کلام کهنه - شنونده نو
%۷۶/۵	%۰	%۱۷/۶	%۵۸/۸	درصد	
۵	۰	۳	۲	فراوانی	کلام نو - شنونده کهنه
%۱۴/۷	%۰	%۸/۸	%۵/۹	درصد	
۳	۱	۰	۲	فراوانی	کلام نو - شنونده نو
%۸/۸	%۲/۹	%۰	%۵/۹	درصد	
۳۴	۱	۹	۲۴	فراوانی	مجموع
%۱۰۰	%۲/۹	%۲۶/۵	%۷۰/۶	درصد	

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده این مطلب است که (۷۶/۵٪) از سازه‌های پیشاینده در این پیکره مورد بررسی از لحاظ کلامی کهنه (یا قابل استنباط) هستند، اگرچه از منظر شنونده حاوی اطلاع نو هستند. از لحاظ مقوله نحوی، سازه‌های پیشاینده به طور عمده گروه اسمی هستند (۷۰/۶٪)؛ همچنین نقش دستوری این سازه‌ها و وضعیت اطلاعی آن‌ها نیز به طور جداگانه در پیکره حاضر بررسی شد که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها بر اساس وضعیت اطلاعی سازه پیشاینده و نقش دستوری سازه پیشاینده

مجموع	نقش دستوری سازه پیشاینده				فراوانی / درصد	وضعیت اطلاعی سازه پیشاینده
	مفعول غیر مستقیم / مفعول حرف اضافه	مفعول مستقیم	فاعل	مفعول مستقیم		
۳۳	۱۴	۱۱	۷	۰	فراوانی	کلام کهنه - شنونده نو
٪۸۰/۵	٪۳۴/۱	٪۲۶/۸	٪۱۷/۱	٪۰	درصد	
۵	۳	۱	۱	۰	فراوانی	کلام نو - شنونده کهنه
٪۱۲/۲	٪۷/۳	٪۲/۴	٪۲/۴	٪۰	درصد	
۳	۰	۰	۲	۱	فراوانی	کلام نو - شنونده نو
٪۷/۳	٪۰	٪۰	٪۴/۹	٪۲/۴	درصد	
۴۱	۱۷	۱۲	۱۰	۱	فراوانی	مجموع
٪۱۰۰	٪۴۱/۵	٪۲۹/۳	٪۲۴/۴	٪۲/۴	درصد	

نتایج بالا نشان می‌دهد که (۸۰/۵٪) از سازه‌های پیشاینده از لحاظ کلامی کهنه و از نظر شنونده نو هستند (استنباطی‌ها)؛ همچنین، سازه‌های پیشاینده به طور عمده به ترتیب مفعول غیر مستقیم (همراه با پیش‌اضافه)، مفعول مستقیم و فاعل هستند. در نهایت در پژوهش حاضر، پس از بررسی نقش دستوری و مقوله نحوی سازه‌های پیشاینده در جملات مختلف، این دو متغیر هم‌زمان در جدول (۷) ارائه شده است:

جدول (۷). توزیع فراوانی و درصد داده‌ها بر اساس مقوله نحوی و نقش دستوری سازه پیشاینده

مجموع	مقوله نحوی سازه پیشاینده		فراوانی / درصد	نقش دستوری سازه پیشاینده
	گروه اسمی	گروه حرف اضافه‌ای		
۹	۹	۰	فراوانی	فاعل
٪۲۷/۳	٪۲۷/۳	٪۰	درصد	
۱۲	۱۱	۱	فراوانی	مفعول مستقیم
٪۳۷/۴	٪۳۳/۳	٪۳	درصد	
۱۲	۴	۸	فراوانی	مفعول غیر مستقیم / مفعول حرف اضافه
٪۳۷/۴	٪۱۲/۱	٪۲۴/۲	درصد	
۳۳	۲۴	۹	فراوانی	مجموع
٪۱۰۰	٪۷۲/۷	٪۲۷/۳	درصد	

نتایج این جدول نشان می‌دهد که از مجموع کل سازه‌های پیش‌یابنده (۳۶/۴٪) از عناصر پیش‌یابنده مفعول غیر مستقیم (مفعول حرف اضافه) هستند که (۲۴/۲٪) آن‌ها به صورت گروه حرف اضافه‌ای نمود یافته‌اند. (۳۶/۴٪) نیز مفعول مستقیم هستند که (۳۳/۳٪) آن‌ها به صورت گروه اسمی نمود یافته‌اند.

۴- نتیجه‌گیری

پیش‌یابندسازی در فارسی می‌تواند متأثر از عوامل گوناگونی باشد. بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۷: ۱۲۶) با مطالعه وارونگی در زبان فارسی بر نقش وضعیت اطلاعی سازه‌ها در جابه‌جایی آن‌ها تأکید می‌کنند. به‌باور آن‌ها سازه‌های پیش‌یابنده نسبت به سازه‌های پس‌یابنده تشخیص‌پذیرتر هستند. همین موضوع به‌وسیله شهیدی (۱۳۷۹) در جملات مبتدایی در زبان فارسی تأکید شده است. به‌نظر او هیچ‌گاه سازه مبتدایی شده حاوی اطلاع نو نیست. پژوهش‌های فراوان دیگری نیز درباره جملات ساده زبان فارسی صورت گرفته‌اند که همگی از اهمیت وضعیت اطلاعی و کلامی سازه‌ها در جابه‌جایی آن‌ها حکایت می‌کنند (بیرنر و ماهوتیان، ۱۹۹۷؛ شهیدی، ۱۳۷۹؛ مدرسی، ۱۳۸۶؛ راسخ‌مهند، ۱۳۸۲؛ گوهری، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲)؛ براساس این، در پژوهش حاضر، به جنبه‌های کلامی و چگونگی توزیع اطلاع به‌مثابه عامل تأثیرگذاری پرداخته شد؛ نتیجه به‌دست‌آمده بیان‌گر آن بود که در (۷۸/۶٪) موارد بررسی شده، سازه‌های پیش‌یابنده از لحاظ کلامی کهنه بوده‌اند، هرچند در گزاره‌های مورد استفاده برای مخاطب نو هستند.

در پیکره مورد بررسی حتی یک مورد سازه پیش‌یابنده یافت نشد که از منظر شنونده کهنه باشد. در (۲۱/۴٪) موارد هم سازه پیش‌یابنده از منظر کلامی حاوی اطلاع نو بوده است. درباره مقوله نحوی سازه پیش‌یابنده نتایج مربوط به پیکره مورد بررسی نشان داد که از منظر مقوله نحوی، گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده‌اند (به ترتیب ۶۳/۴٪ و ۳۴/۱٪)؛ همچنین به ترتیب جملات مقلوب، مجهول، خروج به‌چپ و وارونه (۲۶/۸٪، ۱۹/۵٪، ۱۷/۱٪ و ۱۲/۲٪) بیشترین تکرار پیش‌یابندسازی را در پیکره مورد بررسی به‌خود اختصاص داده‌اند. این ساخت‌ها همان ساخت‌هایی هستند که منجر به حرکت سازه‌ها به جایگاه آغازین می‌شوند؛ همچنین از نظر نقش دستوری سازه‌های پیش‌یابنده در پیکره حاضر، معلوم شد که مفعول غیر مستقیم/ مفعول حرف اضافه جملات ساده، بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است.

نکته مهمی که در مورد یافته یادشده باید اضافه شود این است که در اینجا تنها به مطالعه وضعیت اطلاعی و خصوصیات نحوی سازه‌های پیش‌یابنده در یک گزارش ورزشی رویدادمحور با رویکرد

توصیف‌گرایانه پرداخته می‌شود و اگر قرار است در مورد نتایج این پژوهش تعمیمی دیده شود، آن تعمیم تنها محدود به گزارش مسابقات ورزشی است و باید در تعمیم آن به کل زبان فارسی محتاطانه برخورد کرد، هرچند ممکن است در بسیاری از جملات زبان فارسی محاوره‌ای (غیر از گزارش ورزشی) شاهد تعمیم نتایج این پژوهش باشیم. به هر حال، زبان نقش‌ها و کارکردهای فراوانی دارد و توصیف هر کدام از این نقش‌ها ممکن است از سایر کارکردهای زبان متفاوت باشد.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۲). *قلب نحوی در زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شهیدی، نوشین (۱۳۷۹). *مبتدا/سازی در زبان فارسی با نگاهی نقش‌گرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- علائی، مجید؛ مهدی تهرانی دوست و محمد راسخ‌مهند (۱۳۹۷). *چیدمان سازه‌ها در زبان فارسی متأثر از وزن دستوری: تبیینی پردازش‌محور*. *دوماهنامه علمی - پژوهشی جستارهای زبانی*، ۹ (۴۷)، ۳۵-۶۵.
- گوهری، حبیب (۱۳۹۰). *ساخت اطلاع در انگلیسی و فارسی و نحوه بازنمایی آن*. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- (۱۳۹۲). *برخی پیامدهای نظریه ساخت اطلاع برای ترجمه*. *مجله جستارهای زبانی*، ۴ (۱)، ۲۰۳-۲۲۴.
- منشی‌زاده، مجتبی و حبیب گوهری (۱۳۹۰). *بررسی پارامتر تشخیص (نا)پذیری بر روی نمود زبانی*. *مجله جستارهای زبانی*، ۲ (۴)، ۱۶۹-۱۹۳.
- مدرسی، بهرام (۱۳۸۶). *ساخت اطلاع و بازنمایی آن در زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

References

- Birner, B. (1994). Information Status and Word Order: An Analysis of English Inversion. *Language*, 70 (2), 233-259.
- (2013). *Information Status and Non-canonical Word Order in English*. Amsterdam: John Benjamins.
- & Sh. Mahootian, (1997). Functional constraints on inversion in English and Farsi. *Language Sciences*, 18 (1-2), 127-138.
- Chafe, W. (1976). Givenness, Contrastiveness, Definiteness, Subjects, Topics, and Point of View. In: Ch. Li, (Ed.), *Subject and Topic*, (pp. 25-55). New York: Academic Press.
- Prince, E. F. (1981). Toward a taxonomy of given - new information. In: P. Cole (Ed.), *Radical Pragmatics*, (pp. 223-255). New York: Academic perss.

- (1992). The ZPG Letter: Subjects, Definiteness, and Information-Status. In: S. Thompson & W. Mann (Eds.), *Discourse Description: Diverse Analyses of a Fundraising Text*. (pp. 295-325). Amsterdam: John Benjamins.
- Shafiei, S. (2014). Postposing and Information Structure in English and Farsi/ Persian. *Romanian Journal of English Studies*, 11 (1), 1-8.
- Ward, G. & B. J. Birner, (2004). *Information Structure and Non-canonical Syntax*. In: The Handbook of Pragmatics. H. Laurence & G. Ward (Eds.). Oxford: United Kingdom: Blackwell Publishing.
- Winkler, S. (2012). *The Information structure of English*. In The Expression of Information Structure In: K. Manfred & R. Musan (Eds.). Berlin: Frank Benno Junghanns.